



مدیر مسئول

E-mail: eghtesad.tosea@yahoo.com

چرا اقتصاد ایران فساد پذیر است؟

باعث به حاشیه رفتن و کم رنگ شدن این مهم شد. به همین دلیل هیچ یک از دولتها و ادوار مختلف مجلس، به آن اندازه که به مباحث سیاسی و یا بحثهای پیش پا افتاده اجتماعی، حساسیت نشان می دهند، به بحث فساد اقتصادی و مالی اهمیت نمی دهند. زیرا در بروز و رشد فساد اقتصادی، ساختار نظام اداری، مدیران دولتی، جناحها و جریانهای وابسته به حکومت، بی تأثیر نیستند و فساد اقتصادی و مالی به نوعی حاصل سوء استفاده از قدرت و مصادره قوانین به نفع خود، می باشد و لذا در بروز فساد نمی توان دولتها را مبرا دانست.

در برخی از مقاطع زمانی هم که تب مبارزه با مفاسد اقتصادی عرق کرد، بدلیل نسنجیده عمل کردن و برخوردهای سلیقه ای و خارج از چارچوب قانونی، به ایجاد نامنی در عرصه اقتصادی و کاهش سرمایه گذاری و فرار سرمایه ها منجر شد که ضربه های جبران ناپذیری را به اقتصاد کشور وارد کرد.

بروز فساد در ایران دارای علل مختلف ساختاری و نهادی است که می توان به برخی از آنها اشاره کرد.

۱- حجم دولت:

دولتهای بزرگ منشاء فسادهای بزرگ هستند. به هر میزان که دولت ها بزرگ باشند، نظام اقتصادی شان نیز در مقابل فساد بیشتر آسیب پذیر است. در بررسی هایی که از سوی مراکز پژوهشی درباره فسادپذیری دولتها انجام می شود، حجم دولت و بزرگی و کوچکی آن، از جمله مهمترین شاخص های مورد بررسی است. زیرا هر چقدر نظام بروکراسی در یک کشور گسترده باشد، به همان میزان درصد خطا در کنترل و نظارت بر آن نیز افزایش می یابد و نظام بروکراسی بدون کنترل و نظارت، منشاء فساد است. زیرا فعال اقتصادی برای آنکه بتواند مدت زمان رسیدگی به درخواستش در سیستم عریض و طویل اداری را کوتاه تر کند، ناچار از خرید زمان و کوتاه تر کردن مسیر است و در نظام بروکراسی گسترده هم، چنین موقعیتهایی به رفور پیش می آید.

در ایران هم متأسفانه حجم دولت، با وجود برنامه های کوچک سازی آن، روز به روز در حال بزرگ شدن است و این در رقم بودجه دولت، کاملاً مشهود است. طبق برنامه چهارم توسعه، بودجه دولت باید چیزی در حدود ۲۴ هزار یا ۲۶ هزار میلیارد تومان می شد ولی این رقم به ۴۲ هزار میلیارد تومان رسید و این خود مؤید بزرگ شدن دولت است. کوچک کردن حجم دولت، یکی از ابزارهای مهم در کاهش فسادپذیری اقتصاد است که در بسیاری از کشورهای دنیا که به این عمل کمر همت بسته بودند، پاسخ داد. برای نمونه می توان به برنامه های دولت سوئیس در اصلاح نظام اداری اشاره کرد که باعث شد عنوان پاک ترین دولت از نظر نبود رشوه را، در میان کشورهای جهان که قبلاً به دولت فلانند اختصاص داشت، به خود اختصاص دهد.

امروزه فساد در صدر لیست دغدغه های دولتهای کشورهای توسعه یافته قرار دارد و همواره نگران شیوع آن هستند. زیرا این دولتها از همه عواقب بروز آن آگاهی و اطلاع کامل دارند و می دانند که بروز فساد در نظام مالی و اقتصادی، چه سرنوشت شومی را برای کشورشان رقم خواهد زد. فساد در هر سطح و در هر گستره ای که باشد، موجب ناکار آمدی نظام اقتصادی، کاهش سرمایه گذاری و رکود انگیزه تولید و در نهایت رکود اقتصاد می گردد.

سازمان بین المللی شفافیت که میزان شفافیت فعالیتهای اقتصادی و میزان فسادپذیری اقتصاد کشورها را مورد بررسی قرار می دهد، هر ساله گزارشهایی را درباره کشورهای مورد مطالعه منتشر می کند. این سازمان در آخرین گزارشهای خود، در بین کشورهای خاورمیانه، ایران را پس از عراق، فلسطین و یمن بعنوان یکی از کشورهای فسادپذیر معرفی کرده است. حال چه بخواهیم به این گزارشها استناد بکنیم یا نکنیم و آنها را مغرضانه و در راستای اهداف استعماری تلقی نماییم، یا نه، در ماهیت واقعیت تغییری رخ نمی دهد و واقعیت هم این است که متأسفانه اقتصاد ایران یکی از فسادپذیرترین اقتصادهای دنیاست.

مطالعاتی که سازمانهای بین المللی درباره فسادپذیری کشورها انجام می دهند، بدلیل عدم دسترسی به اطلاعات درست از کشورهای در حال توسعه، نتوانسته به ارائه تصویری روشن از عمق واقعیتهای و جنبه های مختلف فساد منجر شود و چه بسا نتایجی که این سازمانها درباره برخی کشورها (بخصوص کشورهای در حال توسعه) اعلام می کنند، بسیار خوشبینانه است و به عمق فاجعه نپرداخته اند. آنهایی که با اقتصاد ایران از نزدیک، بعنوان فعال اقتصادی یا صنعتگر و یا تولید کننده در ارتباط هستند، بهتر می دانند که اقتصاد ایران نه تنها عاری از فساد نیست، بلکه روز به روز آلوده تر هم می شود و متأسفانه عملکرد دولت (به مفهوم عام) نیز بر این گسترش کمک می کند و هر روز از ناکارآمدی اقتصاد ایران و از توانایی آن در رقابت با اقتصادهای منطقه ای و بین المللی کاسته می شود و گاهی اوقات در برخی از شاخص های توسعه از جمله سرمایه گذاری، ریسک پذیری و غیره چندین پله را یکباره پایین می آید و در ذیل لیست قرار می گیرد.

در ابتدای دهه ۳۰، با تصویب قانون "از کجا آورده اید"، در مجلس شورای ملی، برای اولین بار بحث مبارزه با فساد اقتصادی به ظاهر شکل قانونی به خود گرفت و در دهه های بعد هم تحت عناوین مختلف این موضوع مطرح شد و در بعد از انقلاب هم با مصادره اموال، شرکتها و کارخانجات، به نوعی دیگر به این موضوع پرداخته شد، ولی هیچگاه بحث مبارزه با فساد در ایران جدی گرفته نشد و برداشتهای سطحی، عوام فریبانه، و دستاویز قرار دادن آن برای تسویه حسابهای درون حزبی و جناحی و غیره،

۲- اقتصاد دولتی:

تاریخ نشان داد، کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی و کشورهای که نظام اقتصادی دولتمدار داشتند، نتوانستند ادامه حیات دهند و آنهایی که در برنامه‌ها و اصول خود تجدید نظر کردند، لنگ لنگان در راه رسیدن به مقصد هستند (مثل چین) و آنهایی هم که بر ایدئولوژی و برنامه‌های خودشان اصرار کردند، همانند شوروی، زیر ضربه‌های پتک فساد، از هم پاشیدند و دیگر نتوانستند کمر راست کنند.

در ایران برخلاف کشورهایی که از ایدئولوژی سیاسی به اقتصاد دولتی رسیده بودند، (مثل کشورهای کمونیستی چین، شوروی، کوبا، کره شمالی و...) استبداد تاریخی، اقتصاد را در چنبره خود داشت و دولتهای غالباً مستبد ایران از ابتدا، چون به راز و رمز و قدرت اقتصاد آگاهی داشتند، هرگز اجازه ندادند تا مردم و رعیت بطور مستقل دست به فعالیتهای اقتصادی بزنند و همواره با تکیه بر نوعی تفکر که در قالب جمله‌ای شبیه به این مضمون که "ایرانی را گرسنه نگه دار تا بتوانی راحت تر بر آنها حکومت کنی" بیان می‌شود، از استقلال مالی مردم و رعیت در هراس بودند و همین باور غلط حاکمان مستبد، باعث شد هرگز مالکیت شخصی و خصوصی در نظام حقوقی ایران محترم شمرده نشود و چه بسا همواره با بهانه‌های سیاسی و قدرت قهریه، تمام سرمایه‌ها و داشته‌های افراد، تحت مالکیت حکومت قرار می‌گرفت. واقعه حسنک وزیر و مصادره اموال و املاک او به بهانه قرمطی بودن توسط سلطان مسعود که حسنک را قبل از اعدام مجبور کردند تا همه اموال و املاک خود را به نام پادشاه سند بزند، نمونه‌ای از ناامنی‌های اقتصادی و نبود حقوق مالکیت در تاریخ نظام اقتصادی ایران است.

نظام اقتصادی ایران در چنبره سلطه دولت، از فرط فساد و ناکارآمدی، بوی الرحمن می‌دهد و متأسفانه با وجود برنامه‌هایی که برای دوری دولت از نظام اقتصادی، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مصوب شد، دولت همچنان بر سلطه خود اصرار می‌ورزد و گام از گام برای حرکت به سوی آزادسازی اقتصاد بر نمی‌دارد.

براساس رقم مصوب در بودجه سال ۸۵، حدود ۹۰ درصد از برنامه‌های خصوصی‌سازی محقق نشد و در حقیقت دولت نشان داد که علاقه‌ای به کاهش تصدی‌گری خود در حوزه اقتصاد ندارد. شرکت‌های دولتی که از آنها بعنوان پناهگاه‌های امن برای مدیران مستعفی یا مغضوب یاد می‌شود، از جمله آثار همین نظام اقتصادی است. بطوری که الان هر یک از شرکت‌های دولتی به ثبت متعدد شرکت‌هایی با کاربری‌های مختلف دست زده‌اند و پیدا کردن سر کلاف در این رشته، از عهده هیچ سازمان مبارزه با فساد بر نمی‌آید. بخش خصوصی سالم ترین عضو فعال در نظام اقتصادی است و اگر هم به سمت انحراف برود، بطور حتم، بخش دولتی در آلوده کردن آن نقش اساسی داشته است. بنابراین حرکت به سمت اقتصاد باز و خصوصی، یکی از راهکارهای مبارزه با فسادپذیری اقتصاد است.

۳- قوه قضائیه مستقل و کارآمد:

هر چقدر هم از برنامه‌های پیشگیری از فساد و ابزارهای کارآمد در این زمینه استفاده شود، با این حال همواره درصدی از بروز فساد قابل وقوع است. بنابراین در کنار حرکت‌های اصلاحی در بعد ساختاری و نهادی اقتصاد، وجود نهاد قضایی مستقل و کارآمد لازم و ضروری است.

در ۷۰ شاخص ارزیابی ریسک، از نظر حقوقی قوانین و مقررات، رتبه ایران در بین ۶۰ کشور مورد مطالعه، ۵۹ می‌باشد که بسیار فاجعه است. هیچ برنامه توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بدون وجود قوه قضائیه کارآمد و مستقل محقق نمی‌شود. از زمانی که بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی مطرح شد، قوه قضائیه برخورد زیگرالی و نامتناسبی با این موضوع کرد، بطوری که شل کردن و سفت کردن‌هایی که این نهاد در

ارتباط با مفاسد اقتصادی داشت، همه امیدها را به ناامیدی تبدیل کرد و آن باور خطرناک را در اذهان عمومی جامعه بوجود آمد که: ای بابا! مبارزه با مفاسد اقتصادی هم مثل قانون "از کجا آورده‌ای" دوره قبل از انقلاب، یک سرگرمی سیاسی است."

قوه قضائیه باید در برخورد با بحث فساد بدور از هر گونه تمایلات جناحی و حزبی رفتار کند و اجازه ندهد که عده‌ای از این ابزار را برای تسویه حساب‌های درون حزبی و جناحی استفاده نمایند.

۴- تصویب قوانین شفاف و جامع:

با وجود آنکه ۶ سال از صدور فرمان تاریخی مقام معظم رهبری در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌گذرد و با آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس بارها اعلام کرد که با قوانین موجود نمی‌توان آن فرمان را عملی کرد، مجلس شورای اسلامی در دوره ششم و هفتم، هیچ اقدامی برای قانونمند کردن پیشگیری از فسادپذیری و مبارزه با آن انجام نداد. نبود شاخص‌ها و چارچوب‌ها در این موضوع، موجب بروز برخوردهای فرا قانونی، سلیقه‌ای و سیاسی با بحث مفاسد اقتصادی شده است. در حالی که مجلس شورای اسلامی می‌توانست با انجام کار کارشناسی نسبت به تصویب جامع و سفت و سخت، در این باره اقدام نماید. الان برای مجلس بحث فسادپذیری اقتصاد از بحث یکسان‌سازی مدل لباس و پوشش بسیار مهم شده است ولی در حقیقت از نظر اهمیت اصلاً قابل مقایسه نیستند، در حالی که مجلس هفتم برای سامان دهی مد و لباس، جلسات مکرر و متعدد، (با وجود آنکه هر دقیقه جلسه علنی مجلس میلیون‌ها تومان هزینه دارد) برگزار می‌کند ولی متأسفانه برای مفاسد اقتصادی چنین وقتی را نمی‌گذارند.

۵- نبود آزادی مطبوعات:

مطبوعات در همه جای دنیا، نقش مهمی در جلوگیری از فسادپذیری حاکمیت و دولت دارد و هم از آن روست که آن را رکن چهارم دموکراسی می‌نامند. آزاد گذاشتن مطبوعات برای انتقاد و اطلاع‌رسانی به سلامت جامعه و حکومت می‌انجامد. اگر در بین حاکمیت این احساس وجود نداشته باشد که چشم‌های نامرئی رفتار آنها را تحت نظر دارند و هیچ رفتار و کردارشان و تصمیم‌شان از نگاه افکار عمومی و جامعه پنهان نمی‌ماند، مطمئناً بروز فساد به حداقل ممکن خواهد رسید. در غیر این صورت در غیبت افکار عمومی و رسانه‌ها حاکمیت مصمون از فساد و اشتباه نخواهد ماند.

رسانه‌های آزاد در شفاف‌سازی مبادلات و فعالیتهای اقتصادی نقش غیرقابل انکاری دارند و محدود کردن آنها و جلوگیری از فعالیت آزادشان در انتشار گزارش‌ها و اخبار مربوط به فعالیت اقتصادی گروه‌های سیاسی و جناحی، تحت لوای قربان با حاکمیت و یا در سایه امنیتی نهادهای امنیتی و نظامی، در حقیقت به افزایش فساد و ناکارآمدی دولت منجر می‌شود.

۶- بسط پایه‌های دموکراسی:

در چارچوب نظام‌های دموکراتیک، به دلیل وجود کنترل‌های حزبی، رسانه‌های آزاد و تشکل‌ها و انجمن‌ها و... بروز فساد به حداقل ممکن می‌رسد. زمینه‌های رشد فساد، فضاهای بسته سیاسی و انسداد مجراهای ارتباطی و رسانه‌ای است. در نظام‌های دموکراتیک، سیستم اقتصادی بسیار شفاف و در حد ممکن سالم و غیرقابل انحصارند. انحصار که فرزند خلف نظام‌های بسته سیاسی و خفقان استبدادی است، نظام اقتصادی را در هم می‌شکند و آن را ناکارآمد می‌کند. زیرا نشاط اقتصادی در سایه رقابت آزاد و بدون رانت خواری و ویژه‌خواری بدست می‌آید. رانت، فساد، رشوه و... همه از اثرات حکومت‌های غیر دموکراتیک هستند. حکومت‌هایی که انحصار رمز ماندگار ایشان است و برای همین سعی می‌کنند انحصار خود را در تمام حوزه‌ها؛ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کامل کنند.